



انگیزه اصلی

بی‌بند و باری، ویران کردن

بنیادهای اخلاقی و نظام خانواده

هر چند انگیزه اقتصادی نیز در این حرکت توطئه‌آمیز و خیانت‌بار(بی‌بند و باری) موثر بود و مصرف‌گرایی ناشی از الگوهای زن اروپایی، سیل سودهای کلان را به سمت کمپانی‌های غربی سرازیر می‌ساخت، لکن شک نباید کرد که انگیزه اصلی و اساسی، همان انگیزه فرهنگی بوده است که هدفش ویران کردن بنیادهای اخلاقی، برهم زدن نظام خانواده، سرگرم کردن نسل جوان به جاذبه نیرومند جنسی و خلاصه غرق کردن جامعه در منجلابی که نجات از آن به آسانی میسر نیست، بوده است.^(۱)

بی‌بند و باری صهیونیستی

ابزار استکبار جهانی

فرهنگ فسادانگیز صهیونیستی در دنیا، هدفش این است که عفاف را، حجاب میان زن و مرد را از میان بردارد، بی‌بندو باری جنسی از بزرگترین ابزارهای استکبار جهانی است، در هر جای دنیا که بخواهند یک ملتی را به فساد بکشند، آنها را به فحشا می‌کشاند، هر جا بخواهند یک ملتی را از شخصیت انسانی دور کنند، آنها را به برهنگی، بی‌بند و باری نزدیک می‌کنند، در همه جای دنیا این کار ممکن است.^(۲)

- ^۱،بیانات در سمینار نقش زن در جامعه، ۱۱/۱۲/۶۴؛
- ^۲،بیانات در نماز جمعه، ۱۶/۱۰/۶۲۱۰
- ^{*} پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای

در محضر امام خمینی (ه)

دادن اختیار عجیب به بنی‌صدر

بعد از اینکه به واسطه سعایت اطرافیان بنی‌صدر، او حکمی صادر کرد که فرماندهی منطقه کردستان که شدیداً ضدانقلاب در آنجا توطئه می‌کرد، از من سلب شد و دو درجه هم از من گرفتند،چون من فرمان او را به دلیل حساسیت منطقه اجرا نکرده بودم و از مسئولیت کنار نرفته بودم، شورای عالی دفاع مرا به جلسه‌ای دعوت کرد که بنی‌صدر در آن حضور نداشت. دبیر شورا حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بود که من در آنجا طرحی برای ادامه عملیات در کردستان به شورا ارائه کردم، پس از جلسه شورا، نامه‌ای برای من فرستاد که هم مسرا مجدداً به فرماندهی منطقه منصوب کرد و هم تصویب کرد که دو درجه را که از من گرفته بودند به من بدهند و هم طرح مرا برای اجرا تصویب کرده بودند. بعد از اینکه بنی‌صدر از مصوبات جلسه شورای عالی دفاع مطلع شد، به محضر امام رفت و گفت که اینها در غیاب من توطئه کرده‌اند و تأکید کرده بود که یا جای این شخص است یا جای من و امام هم طی حکمی که صادر کردند، اختیار عجیبی به توجه به مسئولیت بنی‌صدر در جنگ و موقعیت زمانی که در آن قرار داشتیم به ایشان دادند که طی آن رئیس‌جمهور می‌توانست مصوبات شورای عالی دفاع را در صورتی که نخواهد، اجرا نکند. این پشتیبانی امام از بنی‌صدر خیلی از نیروهای حزب‌اللهی را دچار حیرت کرد ولی بعداً مشخص شد که ایشان بنی‌صدر را به اوج رسانیدند که اگر بعد از آن بخواهد خلاف بکند چنان به زمین بخورد که دیگر بلند نشود و دیدیم که چگونه یازده میلیون رأی را از دست داد و امام ایشان را عزل کردند.

شهید صیاد شیرازی

* برداشت‌هایی از سیره امام خمینی (س)،

ج ۴، ص ۳۰۴.

استفتاء
از رهبر معظم انقلاب اسلامی
وظیفه کارمند
در قبال فساد اداری همکارش
(س) وظیفه شرعی کارکنان دولت در قبال
فساد یا نقض حق و حقوق مردم یا انحراف و دروغ‌گویی همکار و مدیر کارمند چیست، تا چه حدی وظیفه شرعی دارد، اگر این کارمند مسئولش باشد چطور؟
ج) در هر صورت وظیفه شما - با وجود شرایط امر به معروف و نهی از منکر - امر و نهی زبانی است و در صورت نیاز به مراتب بالاتر، موضوع را از طریق مراجع ذیربط پیگیری نمایید.

حکایت اهل راز
در فکر خود باش!
ملاً محمدتقی مجلسی می‌گوید: زیارت ماه قبل از مرگ شیخ بهایی، به همراه او برای زیارت قبر بابا رکن‌الدین به قبرستان تخت فولاد رفتم. در کنار قبر بودیم که شیخ بهایی صدایی از قبر شنید که: «شیخنا در فکر خود باش!» او به ما نگاه کرد و گفت این صدا را شنیدید؟ گفتیم: نه. شروع به گریه کرد و متوجه مرگ و آخرت شد. پس از اصرار زیادی که به او کردیم تا ما را از آنچه شنیده است خبر دهد، فرمود: خبر شدم که خود را برای مرگ آماده کنیم. شش ماه پس از این خبر، ایشان فوت کرد و من به همراه پنجاه هزار نفر دیگر بر او نماز گذارديم. «سفینه البحار، شیخ عباس قمی، ج ۱، ص ۱۱۴

اسلام گفتن‌های چندی را در جهان ایجاد کرده است. از مهم‌ترین گفتن‌های اسلامی می‌توان به یکتاپرستی، عدالت خواهی، حق‌گرایی و استکبار‌ستیزی اشاره کرد. این گفتن‌ها فراتر از دایره دین و مذهب است. به این معنا که اسلام بی‌توجه به باور ها و اعتقادات انسان‌ها و جوامع بشری، خواهان تحقق عدالت و چیرگی حق و راه‌های انسان و جامعه از استضعاف و ظلم است. این بدان معنا خواهد بود که در این گفتن‌ها، تنها محور و اصل اساسی، انسانیت خواهد بود؛ چرا که از نظر اسلام، کرامت و شرافت آدمی تا آن پایه است که بی‌توجه به نوع دین و مذهب، خواهان تحقق این گفتن‌ها در جوامع بشری است. بی‌گمان، در عصر معاصر که از آن به عصر خمینی (ره) یاد می‌شود، گفتن‌های فوق، توسط ایشان دوباره احیاء و در صحنه جهانی مطرح شده است. از این رو دیپلماسی عمومی و خصوصی جمهوری اسلامی، بر این پایه تعیین شده است، هر چند که در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها، کوتاهی از سوی دستگاه مرتب با آن انجام شده است، ولی گفتن‌های این چنینی، اساس حرک‌های اصلی جامعه اسلامی و کنش‌ها و واکنش‌های آن قرار گرفته است. نویسنده در این مطلب با نگاهی به آموزه‌های قرآنی، این گفتن‌های اسلامی و چرایی و چگونگی آن را تبیین کرده است.

استکبار، گفتن‌های شیطانی
از آموزه‌های قرآنی این معنا به دست می‌آید که جریان و گفتن‌های استکباری که در جوامع بشری وجود دارد، جریانِ شیطانی و بیرون از دایره فطرت انسانی است؛ چرا که انسان به‌طور فطری گرایش به خیر و خوبی و زیبایی دارد و از هر گونه‌ امور زشت و نقص و بدگزیزان است. از آنجا که روحیه و عمل استکباری، نوعی بدی و ستم در حق دیگران است، با فطرت و روحیه‌الهی انسان سازگار نیست. از این روست که انسان به‌طور طبیعی اعتدال‌گراست و آموری چون وسوسه‌های شیطانی است که او را به یکی از دو سوی افراط و تفریط می‌کشاند.

تجاوزگری آل‌بلیس از دایره مقام خود و ادعای خلافت الهی، موجب می‌شود تا از سجده به انسان به‌عنوان خلیفه‌الهی سرباز زند و فرمان‌آلایی را برای اطاعت انسان نپذیرد. (سوره بقره، آیات ۳۰ تا ۳۷) همین روحیه تکبر که در عمل با استکبار بروز و ظهور کرد، موجب شد تا گفتن‌های جدیدی در جهان شکل بگیرد که از آن به گفتن‌های استکباری یاد می‌شود؛ چرا که آل‌بلیس پس از خودداری از اجرای فرمان الهی و اطاعت انسان، از ساحت قدس الهی رانده و مبهوت می‌کنند و پیش از مهبوط به سبب وعده‌ای که از خداوند برای بقا تا روز قیامت می‌گیرد، خداوند به او اجازه می‌دهد تا زمان ظهور حضرت مهدی(عج) در زمین زندگی کند و مرگ به سراغش نیاید. او پس از دستیابی به این نوعی خلافت الهی که خلف‌نادر است، سوغند می‌خورد تا همه فرزندان آدم(ع) را گمراه کند و فرصت خلافت الهی را از ایشان بازستاند و ظن خویش را درباره ناتوانی انسان به‌ه این مقام و مظهریت ربوبیت، راست نماید. این گونه است که به فریب و دسیسه و وسوسه رو آورد تا آدمی تجاوزگری آل‌بلیس از دایره مقام خود و ادعای خلافت الهی، موجب می‌شود تا از سجده به انسان به‌عنوان خلیفه‌الهی سرباز زند و فرمان‌آلایی را برای اطاعت انسان نپذیرد. (سوره بقره، آیات ۳۰ تا ۳۷)
همین روحیه تکبر که در عمل با استکبار بروز و ظهور کرد، موجب شد تا گفتن‌های جدیدی در جهان شکل بگیرد که از آن به گفتن‌های استکباری یاد می‌شود؛ چرا که آل‌بلیس پس از خودداری از اجرای فرمان الهی و اطاعت انسان، از ساحت قدس الهی رانده و مبهوت می‌کنند و پیش از مهبوط به سبب وعده‌ای که از خداوند برای بقا تا روز قیامت می‌گیرد، خداوند به او اجازه می‌دهد تا زمان ظهور حضرت مهدی(عج) در زمین زندگی کند و مرگ به سراغش نیاید. او پس از دستیابی به این نوعی خلافت الهی که خلف‌نادر است، سوغند می‌خورد تا همه فرزندان آدم(ع) را گمراه کند و فرصت خلافت الهی را از ایشان بازستاند و ظن خویش را درباره ناتوانی انسان به‌ه این مقام و مظهریت ربوبیت، راست نماید. این گونه است که به فریب و دسیسه و وسوسه رو آورد تا آدمی

تجاوزگری آل‌بلیس از دایره مقام خود و ادعای خلافت الهی، موجب می‌شود تا از سجده به انسان به‌عنوان خلیفه‌الهی سرباز زند و فرمان‌آلایی را برای اطاعت انسان نپذیرد. (سوره بقره، آیات ۳۰ تا ۳۷)
همین روحیه تکبر که در عمل با استکبار بروز و ظهور کرد، موجب شد تا گفتن‌های جدیدی در جهان شکل بگیرد که از آن به گفتن‌های استکباری یاد می‌شود؛ چرا که آل‌بلیس پس از خودداری از اجرای فرمان الهی و اطاعت انسان، از ساحت قدس الهی رانده و مبهوت می‌کنند و پیش از مهبوط به سبب وعده‌ای که از خداوند برای بقا تا روز قیامت می‌گیرد، خداوند به او اجازه می‌دهد تا زمان ظهور حضرت مهدی(عج) در زمین زندگی کند و مرگ به سراغش نیاید. او پس از دستیابی به این نوعی خلافت الهی که خلف‌نادر است، سوغند می‌خورد تا همه فرزندان آدم(ع) را گمراه کند و فرصت خلافت الهی را از ایشان بازستاند و ظن خویش را درباره ناتوانی انسان به‌ه این مقام و مظهریت ربوبیت، راست نماید. این گونه است که به فریب و دسیسه و وسوسه رو آورد تا آدمی

خداوند در آیات ۷۳ و ۷۴ سوره مریم به امکانات و رفاه بیش از اندازه توجه می‌دهد و آن را از مهم‌ترین عوامل در استکبار‌گرایی و ظلم‌گرایی بشر برمی‌شمارد. اصولاً اشرافیت همواره در برابر عدالت و گفتن‌های نبی‌گرا بوده و در کنار مستکبران قرار گرفته است.

را از عبودیت خدا بازداشته به عبودیت شیاطین و طاغوت و جیت دعوت کند و فرصت مظهریت ربوبیت و ربانی شدن را از انسان‌ها بگیرد.
این گونه است که گفتن‌های آل‌بلیبی و شیطانی به عنوان گفتن‌های استکباری در جهان شکل گرفت تا از رسیدن انسان و جبراین مومن به حقوق خود باز دارد و اجازه ندهد تا انسان در یک گفتن‌های عدالت‌محور و اعتدالی و حق‌جویانه، خود را چنانکه شایسته و بایسته است، بسازد و دستگیر دیگر آفریده‌ها از جمله جنیان شود.
تنها بخشی از جنیان، گفتن‌های استکباری آل‌بلیس را پذیرفتند و به عنوان شیاطین در این گفتن‌های مشارکت جستند، اما بخشی از جنیان، در مخالفت با گفتن‌های استکباری او برخاستند و با پذیرش خلافت انسان، تابعیت و اطاعت انسان را در پیش گرفتند و با ایمان آوری به شریعت اسلام از آدم(ع) تا خاتم(ص) مسیر کمالی را پیمودند و توانستند به عنوان پیروان صادق پیامبران به درجات و مقامات عالی خود دست یابند و اهل بصیرت شوند، چنانکه داستان غرقت جنی، از درباریان حضرت سلیمان پیامبر(ص) معروف و مشهور است.(نمل، آیه ۳۹) زیرا این شخص با پذیرش خلافت و انسانی‌چون حضرت سلیمان(ع) توانست به مقامات شایسته و بایسته برسد.
به هر حال، در دو جامعه انسانی و جنی، گروهی از شیاطین جنی و انسی، راه استکبار را در پیش گرفتند و به استضعاف دیگر انسانوع از جمله نوع انسان و جن پرداختند و حقوق آفریده‌های دیگر را پایمال کرده و اجازه رشد و بالندگی به آنها ندادند؛ زیرا مستکبران، با خروج از دایره عدالت و اعتدال، حقوق دیگران را پایمال می‌کنند و شرایطی را برای مستضعفان پدید می‌آورند که نتواند در یک بستر سالم و مناسبی به رشد و بالندگی خود ادامه دهند و به کمالات خویش برسند. در حقیقت استکبار‌گرایی در جهان، به معنای سلب فرصت‌های

معارف

Maaref@Kayhan.ir

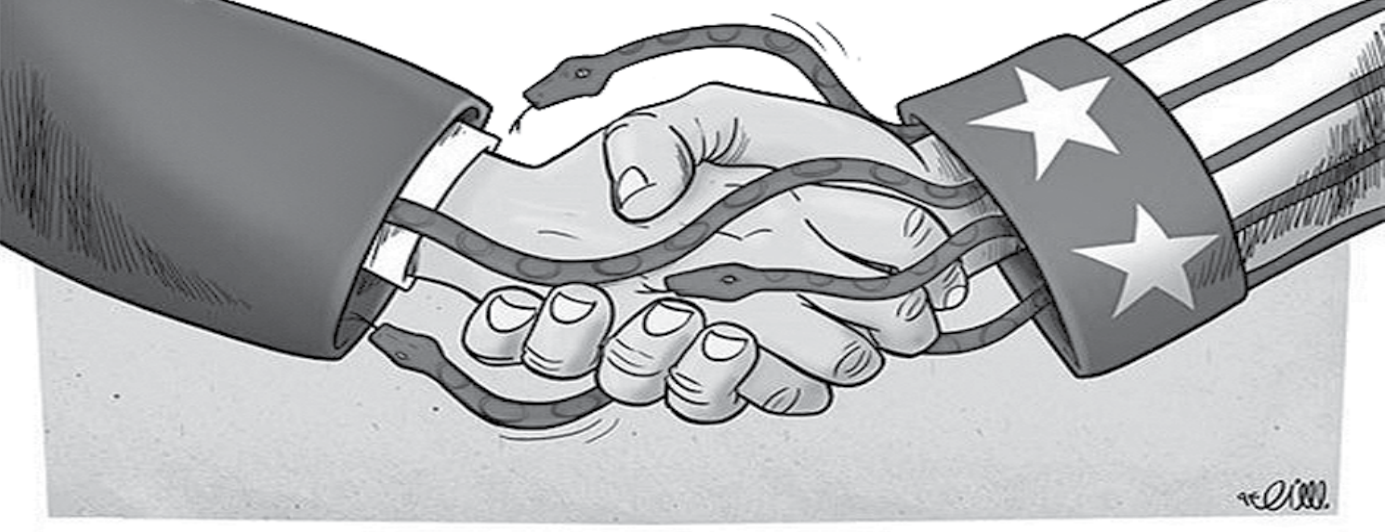
و زیرشاخه‌های گفتن‌های ظلم و بی‌عدالتی است. نخستین عاملی که موجب می‌شود تا شخص از حالت عدالت و اعتدال خارج شود، خودپسندی، خودبزرگ بینی و خودبرتری‌بینی است. خداوند در آیاتی از جمله ۷۴ تا ۷۶ سوره ص گزارش می‌کند که چگونه خودپسندی و خودبرتری‌بینی نژادی موجب شد تا آل‌بلیس استکبار ورزد و از حدود خود تجاوز نماید و نافرمانی کند.
دومین و سومین عامل مهم در ایجاد بستر گفتن‌های استکباری قدرت و ثروت است. کسانی که رفاه و آسایش غرق می‌شوند، موقعیت خویش را فراموش می‌کنند و از فقر به غنا و استغنا می‌رسند و سرکشی و طغیان می‌کنند. با نگاهی به پیرامون خود و تحلیل کسانی که مرتکب گناه و فساد می‌شوند و از حدود عقلانی و الهی خارج می‌شوند، می‌توان به سادگی به نقش مخرب و غیر سازنده امکانات زیاد و رفاه و خوشی آگاه شد. در جریان‌های فتنه در تاریخ اسلام به سادگی می‌توان نقش اشرافیت را علیه عدالت دید. شاید دشمن‌ترین دوستان امیرمومنان(ع) که زمینه شهادت وی را در محراب عبادت و عدالت رقم زدند،اشرافیت بی‌درد و مرفهان خوشگذران بودند. اگر طلحه وزیر قانونی و اشرافی نبودند هرگز عدالت در محراب این گونه به ششمیراشرافیت قربانی شکافته نمی‌شد. خداوند در آیاتی به این دو عامل اصلی‌اشاره کرده و مردمان را به آن حساس می‌کند. از جمله در آیات ۷۳ و ۷۴ سوره مریم به امکانات و رفاه بیش

فهم و قیام عدالت در جامعه است تا در یک شرایط برابر هر کسی بتواند گفتن‌های حق را بشناسد و با اختیار در پی آن برود.
از آنجا که گفتن‌های باطل و کفر، گفتن‌های ظالمانه‌ای است، هرگز اجازه نمی‌دهد تا گفتن‌های دیگری در جامعه شکل بگیرد و مردم از حق و حقوق خویش آگاه شوند و خواهان عدالت فراگیر و همه‌جانبه از جمله عدالت مشهود و ملموس شوند. ازاین رو خداوند ماموریت اصلی را مبارزه با جنبه‌های عدالت‌ستیزانه باطل و کفر کرده است. بر این اساس، مبارزه با استکبار جهانی به عنوان یک اصل و محور اصلی گفتن‌های در گفتن‌های جامع عدالت قرار گرفته و تفسیر شده است.(حدید، آیه ۲۵) خداوند همان گونه که گفتن‌های عدالت را گفتن‌های جامعه‌ایمانی قرارداده است، هر گونه گرایش به استکبار و یا استکبار‌گرایی را مردود دانسته و عذاب‌های خوارکننده دنیوی و اخروی برای مستکبران بیان کرده است.(انعام،آیه ۹۳ و اعراف،آیه ۴۰ و نساء، آیه ۱۷۲)

خداوند از مومنان می‌خواهد تا در جبهه مستضعفانی قرار گیرند که در جامعه بشر به ایشان ظلم شده و حقوقشان تضییع شده است. این همکاری تنها در سطح رسانه و تبلیغات و همراهی و همدلی نیست، بلکه فراتر از هر نوع همکاری در مقام مجاهدت است. به این معنا که بر مومنان است تا سلاح بر گیرند و در کنار مستضعفان بی‌توجه به دین و آیین آنان، علیه مستکبران بجنگند و حق

استکبار و استکبار‌ستیزی در قرآن

استکبار‌گرایی به سبب آنکه مصداقی از ظلم و ستم است، در گفتن‌های ظلم و بی‌عدالتی قرار می‌گیرد. بنابراین، مستکبر، مصداقی از ظالم است. از آنجا که ظلم در برابر عدل قرار دارد، گفتن‌های استکباری در برابر گفتن‌های عدالت قرار می‌گیرد. از این رو، هر کسی که منادی گفتن‌های عدالت در جهان است، نمی‌تواند استکبار‌ستیز نباشد و یا در کنار گفتن‌های مستضعفین قرار نگیرد و ایشان را به عدالت نخواند.



ایشان را بستانند و ظلم و بی‌عدالتی را ریشه‌کن کنند تا در یک فضای گفتن‌های عدالت محور، هر کسی خود راه خویش از چاه بازشناسد و مسیر تعالی و حق را بیپیماید. (نساء، آیه ۷۵)
گفتن‌های که امام خمینی(ره) در عصر کنونی داعیه‌دار و پرچمدار آن بود، گفتن‌های عدالت بود. بارها آن بزرگوار سیاست جمهوری اسلامی را حمایت از مظلومان و مستضعفان جهان در برابر مستکبران و قاسطان معرفی کرده است. چنانکه فرمود: «خداوند همیشه با مستضعفان است و حق همواره بر باطل غلبه کرده و ایمان همیشه فائق شده است.» (در جست‌وجوی راه از کلام امام، دفتر اول، مستضعفین، مستکبرین، ص ۱۱۹)
وعده خداوند چنین است که مستضعفان وارث زمین خواهند شد و ستم و بیداد، محو و عدل و داد بنامه رخ خواهد نمود. که: «امامت حق مستضعفین است، وراثت از مستضعفین است، مستکبرین غاصبند، مستکبرین باید از میدان خارج بشوند.» (صحیفه نور، ج ۶، ص ۱۶۸)
این حقیقتی است که با توفیق الهی محقق خواهد شد: «خداوند تعالی وعده فرموده است که مستضعفین ارض را به امید خودش و توفیق خودش بر مستکبرین غلبه دهد و آنها را امام قرار دهد و پیشوا قرار دهد».(صحیفه نور، ج ۵، ص ۲۲۵).
امام خمینی تحقق عدالت و قسط را به‌یچ‌رو نفس و وجود فرد و چه در درون جامعه بشری یک تکلیف فطری و الهی و انسانی می‌داند که هر فردی از افراد جامعه نسبت به انجام آن مسئول است. مسئولیت انسانی ایجاب می‌کند که در برابر

از اندازه توجه می‌دهد و آن را از مهم‌ترین عوامل در استکبار‌گرایی و ظلم‌گرایی بشر برمی‌شمارد. اصولاً اشرافیت همواره در برابر عدالت و گفتن‌های نبی‌گرا بوده و در کنار مستکبران قرار گرفته است. ملا در اصطلاح قرآنی اشرافیت حاضر در قدرت است که پایه‌های مستکبران را استوار می‌بخشد و حقوق مستضعفان را به غارت و چپاول می‌برد.
خداوند در آیه ۱۵ سوره فصلت به قدرت به عنوان عاملی که گفتن‌های استکباری را سبب می‌شوداشاره می‌کند؛ چرا که قدرت هر گونه مقاومت را تاب بر نمی‌دارد و زمینه را برای گرایش استکباری فراهم می‌آورد. این گونه است که اهل خودپسندی و ثروت و قدرت، نسبت به حقوق خویش بسنده نمی‌کنند و فراتر از حق خویش می‌جویند. پس علیه هر گونه حقوق عقلانی و شرعی قیام می‌کنند و به گناه و زشتی و بدی رو می‌آورند.(اعراف، آیه ۱۳۳؛ یونس، آیه ۷۵؛ جائیه، آیات ۷ و ۸ و ۳۱)

روحیه افراد خودپسند و قدرتمند و ثروتمند به ایشان اجازه نمی‌دهد تا در گفتن‌های حق و عدالت قرار گیرند. این گونه است که راه راجعت را در پیش می‌گیرند و حتی حق ملموس و قسط را نادیده می‌گیرند و آن را انکار می‌کنند.(احقاف، آیه ۱۰)

و در نهایت به جای اصلاح امور و ایجاد گفتن‌های عدالت، به افساد امور می‌پردازند و گفتن‌های ظلم و بی‌عدالتی و استکباری را زنده و تقویت می‌کنند و جوامع را به فساد می‌کشند تا در فضایی آلوده با استفاده از ابزارهای قدرت و ثروت بیش‌تر از جامعه بگیرند و خون مردمان را در شیشه کنند و چون

توحید‌گرایی زمانی در جوامع می‌تواند حضور یابد و تحقق پیدا کند، که جامعه پیش از آن، حق را بشناسد و عدالت را تجربه کند. بنابراین ماموریت همه پیامبران معرفی حقوق مردمان به عنوان انسان نه مومنان و کمک برای فهم و قیام عدالت در جامعه است تا در یک شرایط برابر هر کسی بتواند گفتن‌های حق را بشناسد و با اختیار در پی آن برود.

ظلم و بی‌عدالتی ساکت ننشینند و برای قیام به قسط برخیزد.
ایشان می‌فرماید : اسلام خدایش عادل است، پیغمبرش هم عادل است و معصوم، امامش هم عادل و معصوم است، قاضی‌اش هم معتبر است که عادل باشد، ققیهش هم معتبر است که عادل باشد، شاهد طلاقش هم معتبر است که عادل باشد، امام جماعتش هم معتبر است که عادل باشد، امام جمعه‌اش هم باید عادل باشد-از ذات مقدس کبریا گرفته تا آن آخر. زمامدار باید عادل باشد؛ ولاتشاق هم باید عادل باشند. این ولاتی که در اسلام می‌فرستادند، وله‌الهی است که می‌فرستادند به این طرف و آن طرف، امام جماعتشان هم بود، باید عادل باشند. اگر عادل نباشد، اگر عدالت در بین زمامداران نباشد، این مفاسدی است که دارید می‌بینید.
اسلحه دست‌اشخاص غیرصالح، اسلحه دست‌اشخاص صالح،اشخاص بی‌معرفی حقوق مردمان به عنوان انسان نه مومنان و کمک برای

صفحه ۶

پنج‌شنبه ۳ بهمن ۱۳۹۸

۲۷ جمادی‌الاول ۱۴۴۱ - شماره ۲۲۳۸۹

چراغ راه
گناهان جدید، عذاب جدید

قال الامام الرضاع): كلما حدث العباد من الذنوب ما لم یکنوا یعلمون احداث الله لهم من البلاء ما لم یکنوا یعرفون
امام (رضاع) فرمود: هرگاه بندگان گناهان جدیدی را که قبلاً نمی‌دانستند انجام دهند، خداوند برای آنان بلا (و عذاب) جدیدی که نمی‌شناختند می‌آورد.^(۱)

حکایت خوبان

سخت‌ترین تکالیف الهی
در روایت نقل شده که «عبدالاعلی» پسر «اعین» از کوفه غلام مدینه شد و در خدمت امام‌صادق(ع) پرسش‌هایی را که دوست‌داران حضرت کرده بودند از ایشان پرسید، امام همه سوالات را پاسخ دادند جز یک پرسش را که درباره حقوق مسلمانان با یکدیگر بود. بی‌جواب گذاشتند.

روزی که عبدالاعلی‌خواست برگردد، دوباره به امام عرض کرد،

أقا آن سوال را پاسخ ندادید.

حضرت فرمود: من عمداً جواب ندمام. زیرا نگران بودم، حق را بگویم و شما عمل نکنید، و از دین خدا خارج گردید، و در ادامه فرمود: از جمله سخت‌ترین تکالیف الهی درباره بندگان، سه چیز است: ۱- رعایت عدل و انصاف میان خود و دیگران، به طوری که با برادر مسلمان خود آن‌گونه رفتار کند که دوست دارد با خودش چنان رفتار نمایند. ۲- مال خود را از برادران مسلمان مضایقه نکند و با آنان به موابسات عمل نماید.

۳- یاد کردن خدا در همه حال، و منظور پیوسته «سبحان‌الله و الحمدلله» گفتن نیست، بلکه مقصود این است که فرد آنچنان باشد که وقتی با کار حرامی مواجه می‌شود، یا خدا که همواره در دلت هست جلوی او را بگیرد. (۱)

۱- داستان راستان، شهید مرتضی مطهری(ره)، ص ۳۶۴

پرسش و پاسخ

مصونیت‌یابی از عذاب الهی
پرسش:
از منظر آموزه‌های وحیانی چه علل و عواملی موجبات مصونیت‌یابی جوامع از عذاب الهی را فراهم می‌آورد؟

پاسخ:
مهم‌ترین علل و عوامل مصونیت‌یابی از عذاب الهی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- **اجابت دعوت خدا**: خداوند پیامبران را فرستاده تا مردم را به دین اسلام دعوت کنند و در سراط مستقیم هدایت قرار داده و آنان را به کمال برسانند. از مهم‌ترین علل مصونیت‌یابی از خشم و عذاب الهی، اجابت این دعوت الهی است. (ابراهیم، آیه ۱۴۴؛ احقاف، آیه ۳۱)

۲- **احسان**: احسان و نیکوکاری نسبت به دیگران از دیگر عوامل مصونیت‌بخش است که در قرآن از جمله آیه ۵۸ سوره زمر به آن اشاره شده است. خداوند در این آیه بیان می‌کند که وقتی کافران عذاب الهی را مشاهده می‌کنند از خداوند می‌خواهند تا آنان را به دنیا بازگرداند تا با احسان، خود را از عذاب برهانند. ۳- **استغفار**: طلب غفران از خداوند زمانی معنا پیدا می‌کند که انسان به گناه و خطای خود آگاه باشد و آن را بپذیرد و درصدد برطرف کردن آن باشد.

که یکی از مهم‌ترین عوامل مصونیت‌یابی انسان از هر گونه عذاب الهی استغفار است؛ به این معنا که اگر خطایی کرد توبه کرده و استغفار نماید تا عواقب گناه گریبانگیر او نشود. خداوند در آیات دیگر قرآن به انسان‌ها هشدار می‌دهد تا پیش از وقوع عذاب از هر گونه خطا و گناهی استغفار کنند تا از عقوبت الهی مصون شوند. (مائده، آیات ۷۳ و ۷۴؛ کهف، آیه ۵۵)

۴- **اطاعت از پیامبران**: از دیگر عوامل مصونیت‌بخش از عذاب الهی، اطاعت از پیامبران است. کسانی که سر تسلیم در برابر پیامبران فرود می‌آورند و به دستورهای آنان گوش می‌دهند از عذاب‌های الهی مصون خواهند ماند. (ابراهیم، آیه ۴۴؛ طه، آیه ۱۳۴؛ قصص، آیه ۴۷؛ احزاب، آیه ۶۶)

۵- **اطاعت از قرآن**: پیروی از بهترین کتاب الهی یعنی قرآن، عامل حفظ انسان از عذاب ناگهانی است که خداوند در آیه ۵۵ سوره زمر به آن توجه داده است.

۶- **تسلیم و انانیت**: بازگشت همراه با تضرع و انابه به سوی درگاه پروردگار و تسلیم در برابر امر و مقدراتش از دیگر عوامل محفوظ ماندن شخص از عذاب الهی است. (زمر، آیه ۵۴)

۷- **ایمان**: شکی نیست که از مهم‌ترین و اصلی‌ترین عوامل مصونیت انسان از عذاب و عقوبت الهی ایمان و اسلام است. خداوند در آیات بسیاری به ایمان، به عنوان مهم‌ترین عامل مصون ماندن از عذاب الهی توجه داده است. (نساء، آیه ۴۷؛ انعام، آیات ۸۲ و ۱۵۸؛ اعراف، آیه ۹۶)

سلوک عارفانه

اخلاص
شرط تحقق آثار اخروی
(بدان ای سالک راه خدا!) (اگر) سالک از حد اخلاص تجاوز نماید، عملش روی ریا انجام می‌گیرد. عمل در این صورت یا برای عوض است یا برای اجرت و یا غرضی از اغراض دیگر، در هر صورت عمل بدین ترتیب ارزشی (اخروی) ندارد، اثری بر آن مترتب نیست. ۱- به تعبیر دیگر هر عملی اگر بخواهد آثار دنیوی و اخروی بر آن مترتب شود، لازمشا حسن فعلی و حسن فاعلی است. حسن فعلی یعنی اینکه صورت و شکل عمل مورد قبول و رضایت شارع مقدس باشد و حسن فاعلی یعنی اینکه نیت فاعل اخلاص در راه خدا باشد.
۱- مقامات معنوی، محسن بیبا، ج ۲، ص ۳

صفحه معارف و روز‌های: شنبه، یک‌شنبه سه‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شود
تلفن‌های مستقیم: ۰۲۲۲۱۰۲۲۲۱ - ۰۲۲۹۴۱۹۹۱
Maaref@kayhan.ir